

نفر بعدی که در بهشت ملاقات می‌کنید

دنباله‌ی رمان در بهشت پنج نفر منتظر شما هستند

میچ آلبوم

برگردان: شهرزاد ضیایی



* فهرست *

۹	پایان
۲۹	آنی اشتباه می کند
۳۱	سفر
۳۳	آنی اشتباه می کند
۳۵	ورود
۳۷	آنی اشتباه می کند
۴۰	اولین کسی که آنی در بهشت ملاقات می کند
۴۵	یکشنبه، ساعت ۱۰:۳۰ صبح
۴۷	اولین درس
۵۱	آنی اشتباه می کند
۵۷	آنی اشتباه می کند
۵۹	جهان آخرت بعدی
۶۱	دومین کسی که آنی در بهشت ملاقات می کند
۷۱	آنی اشتباه می کند
۷۳	درس دوم
۷۸	یکشنبه، ساعت ۱۱:۱۴ صبح

* فهرست *

- ۷۹..... جهان آخرت بعدی
- ۸۱ آنی اشتباه می‌کند
- ۸۵..... سومین کسی که آنی در بهشت ملاقات می‌کند
- ۹۲ آنی اشتباه می‌کند
- ۱۰۴..... درس سوم
- ۱۰۸ آنی اشتباه می‌کند
- ۱۱۷ یکشنبه، ۱۴:۲ بعد از ظهر
- ۱۱۸..... جهان آخرت بعدی
- ۱۱۹ آنی اشتباه می‌کند
- ۱۲۱..... چهارمین نفری که آنی در بهشت ملاقات می‌کند
- ۱۲۷ آنی اشتباه می‌کند
- ۱۳۰..... درس چهارم
- ۱۳۸ ساعت ۳:۰۷ بعد از ظهر
- ۱۴۰..... جهان آخرت بعدی
- ۱۴۳..... پنجمین کسی که آنی در بهشت ملاقات می‌کند
- ۱۴۹ درس پنجم
- ۱۵۳..... سخن آخر



این داستان درباره‌ی زنی به نام آنی است و از پایان شروع می‌شود، از سقوط آنی از آسمان. آنی جوان بود و برای همین هیچ‌وقت به پایان فکر نکرده بود. هیچ‌وقت درباره‌ی بهشت فکر نکرده بود. اما هر پایانی، یک آغاز هم هست. و بهشت همواره به ما فکر می‌کند.



آن‌ی در زمان مرگش لاغر و کشیده بود، با موهایی موجدار و بلند به رنگ آبنبات‌های باتراسکاچ^۱، آرنج و شانه‌های برجسته و پوستی که موقع خجالت تا گردن سرخ می‌شد. چشمان خشنی به رنگ زیتونی روشن داشت و صورتی بیضی و دلنواز که به قول همکارانش "وقتی بشناسی‌اش زیبا به نظر می‌رسد."

آن‌ی به عنوان یک پرستار در بیمارستانی در همان اطراف کار می‌کرد و در محیط آنجا، لباس کار آبی و کفش‌های کتان‌ی خاکستری می‌پوشید؛ و در همان بیمارستان بود که این دنیا را ترک می‌کرد- بعد از یک سانحه‌ی فجیع و سوزناک- آن هم یک ماه قبل از تولد سی‌ویک سالگی‌اش.

شاید با خودتان بگویید که برای مردن "زیادی جوان" بوده. اما زیادی جوان بودن در یک زندگی چه معنایی دارد؟ آنی در کودکی یکبار از مرگ قسر در رفته بود، در حادثه‌ای دیگر در مکانی به نام روی پییر^۲، یک شهر بازی کنار اقیانوسی خاکستری. بعضی می‌گفتند زنده ماندنش یک "معجزه" بود.

^۱ رنگ شیرقهوه

^۲ Ruby Pier: پیر در زبان انگلیسی به معنای اسکله است که در متن این کتاب به عنوان نام خاص به کار رفته است.